

پیدایش افسانه آریا و آریایی نژاد

حسین حسینی

چگونگی پیدایش افسانه آریا برای اولین بار توسط نویسنده فرانسوی (ارتودو گوینو) در سال (1816) که هوادار سلطنت قانونی خانواده بوربون ضد آزاد منشی و ضد دموکراسی هست که آزادی خواه معروف آلکسی دوتو کوپل هنگامی که وزیر امور خارجه در جمهوری دوم بود وی را در دفتر خود استخدام کرد. گوینو سپس حرفه دیپلمات پیشه خود کرد. کتاب اساسی وی زیر عنوان گفت و گویی در باب نابرابری نژادهای بشری افسانه آریایی ها برای توجیه نابرابری، اجتماعی در درون هر يك از ملت ها بکار گرفت. میان اشراف و مردم عادی اختلاف نژادی هست. اشراف اروپائی همه از آریاها یعنی نژادی که بر حسب طبیعت، مسلط و تمدن را او خلق کرده است، منشعب می شوند. برخی از شاگردان گوینو چون واشردولایوژ و آمون کوشش کردند تا این نظریه ها را از دیدگاه علمی مورد بررسی قرار دهند و بدین منظور از علم آمار بر پایه اندازه گیری مجموعه های انسانی مدد گرفتند. از این جاست که قانون ادعائی جامعه شناسی آمون پایه گرفت که براساس آن درازسرن (یعنی آریایی ها) در شهرها بیشتر از روستاها هستند. بعدها معلوم شد که این قانون یکسره نادرست است. البته، از دیدگاه زیست شناختی، نژادهایی وجود دارد که از رهگذر توفیق آماری برخی از عوامل وراثتی مثل (رنگ پوست، پیچیدگی مو، گروههای خونی و نظایر آن) در میان افراد تشکیل دهنده این نژادها از حیث ژنهای موجود در سلولهای مولد مشخص می شوند.

دومین پایه گذار آریائی گرایی هوستون استیوارت چمبرلن (1855-1927) پسر يك فرمانده نیروی دریائی، دوست و سپس داماد واگنر بیمار عصبی و ستایشگر شیدای ژرمنها (که در سال 1917، در بحبوحه جنگ به تابعیت آلمان درآمد) است. در سال 1899 در اثر عظیم یکهزار و دو پست صفحه ای خود زیر عنوان پایه های قرن بیستم با استفاده از افسانه مردم آریائی به مدح آلمانیها پرداخت. این نویسنده، بجای اینکه مانند گوینو آریائیها را با يك طبقه یعنی اریستو کراسی یکی بداند، آنان را با يك ملت یعنی آلمان یکی دانست و چنین نوشت: «تئون روح تمدن است. اهمیت هر ملت به عنوان قدرت زنده امروزی متناسب با خون اصیل آلمانی جمعیت آن است.»

و از سوی دیگر چمبرلن کوشید تا نشان دهد که همه نوابغ عالم بشریت ژول سزار، اسکندر کبیر، جیوتو، لئوناردو داوینچی، گالیله، ولتر و از آلمانیان باستان بوده است به نظر وی شخص مسیح نیز از آلمانیان باستان بوده است یعنی آریائی. «هر که ادعا کرده است که مسیح یهودی بوده است یا بلاهت خود را نشان داده و یا اینکه دروغ گفته است مسیح یهودی نبوده است.»

بعدها نهضت ناسیونال سوسیالیست نظریات چمبرلن را پایه عقاید خود قرار داد و در جهت يك ضد یهود گرایی بی کم و کاست تغییر داد. هیتلر می خواست همه آلمانیها را آریائی به معنی نژادی کلمه یعنی درازسر، بلند اندام، با موهای روشن و چشمان آبی هستند تعریف کند و این تعریف ناممکن بود، چون رؤسای نازی که هیچکدامشان این کیفیات را نداشتند لا علاج از زاویه مبارزه میان این دو نژاد بیند. افسانه نژاد آریائی بدینسان بکار جوانسازی نظریات ضد یهودی آمد. و بعدها باعث کشته شدن شش میلیون یهودی در جنگ جهانی دوم توسط آریائی ها شد(1)

عجیب ترین سوء استفاده ای که از کلمه نژاد شده در مورد آریائی هاست این اسم بیش از هر اسم دیگر دارای معنی سیاسی است و مدتی اساس قوه مقننه آلمان به اصطلاح (آریایی) محسوب می شد.

کلمه آریا برای اولین بار از دیدگاه زبان شناسی توسط (سرویلیام جونز) فیلسوف انگلیسی به مغرب آورده شد وی مدتی در هند بسر برده و زبانهای آسیایی خاصه زبان سانسکریت را مطالعه کرده بود. او عنوان آریایی را به این زبانها داد. بعد از او مطالعه مسأله روابط میان زبانها را (شله گل) و (یونسن) در انگلستان زبان شناس جوانی که اصلیت آلمانی داشت به نام (ماکس مولر) از سرگرفت. این تحقیقات نشان داد که میان زبانها که در اروپا به آنها تکلم می شود

شباهت‌های لغوی موجود است و برای نامگذاری این دو گروه زبان عنوان (آریایی) یا (هندوئرمنی) داد. ظاهراً (ماکس مولر)، نخستین کسی بود که گروه خالق زبان‌های (آریایی) را (نژاد آریایی) نام نهاد. وی این گروه را که به وسیله زبانی چنین مؤثر و انعطاف پذیر را برای بیان کشف کرده بود قومی برتر شمرد. در سال‌های بعد، فرضیه‌های مربوط به سرزمین ابتدائی اروپائیان توجه بسیاری از مردم شناسان و تاریخ دانان را به خود جلب کرد و نظریه‌هایی پدید آمد و هر کس به دفاع یکی از آنها برخاست. سرزمین آریاها را ناحیه بالتیک و آلمان و روسیه و هند و آفریقای شمالی و حتی ایران دانستند. بر این عدم اطمینان نسبت به سرزمین اصلی آریاییان عدم اطمینان نسبت به ظاهر جسمان آنان نیز افزوده شد. بنابراین دلایل، ماکس مولر سرانجام قبول کرد که کلمه آریایی را نمی‌توان بکار برد و در انکار کامل عقیده سابق خود دیر کرده بود در این فاصله زمانی مفهوم آریایی را دانشمندان فراوانی دوباره مورد بحث و گفت و گو قرار دادند و نظریه ماکس مولر که نژاد آریایی نژادی اصیل و برتری است مورد تأیید قرار نگرفت چرا که خود ماکس مولر هم به این نتیجه رسیده بود (2) و با استناد به این گفته‌های بزرگان تا به حال هیچ آریایی را در خیابان ندیده ایم. و یا هیچ اسکلتی کشف نشده که ثابت شود که از نژاد اصیل آریایی باشد.¹

1. موریس دوورژه

2. اتمر کالاین برگ